



جمله‌ای که امام موسی کاظم (ع) همواره تکرار می‌کردند

امام هفتم شیعیان باب گشوده خدا بر حوائج مردمان و رشته پیوند زمین و آسمان است. بردن نام این بزرگوار کلید گشایش گره‌های فرو بسته و یادش، مایه آرامش دل‌های شکسته است.

امام هفتم شیعیان باب گشوده خدا بر حوائج مردمان و رشته پیوند زمین و آسمان است. بردن نام این بزرگوار کلید گشایش گره‌های فرو بسته و یادش، مایه آرامش دل‌های شکسته است.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بیست و پنجمین روز از ماه رجب المرجب مصادف است با سالروز شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع). هفتمین امام شیعیان در هفتم ماه صفر سال 128 هجری قمری در ابواء (منطقه‌ای در میان مکه و مدینه) متولد شدند.

نسب پدری حضرت امام جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام است و مادرش بانویی به نام حمیده است البته نام‌های دیگری نیز مانند حمیده بربریه و حمیده اندلسیه نیز برای او نقل شده است. این بانو از زنان بزرگ زمان خویش بود و چندان فقیه و عالم به احکام و مسائل بود که امام صادق علیه السلام زنان را در یادگیری مسائل و احکام دینی به ایشان ارجاع می‌داد و درباره‌اش فرمودند: «حمیده، تصفیه شده است از هر دنس و چرکی؛ مانند شمش طلا. پیوسته فرشتگان او را حفاظت و پاسبانی نموده تا رسیده است به من، به خاطر آن کرامتی که از خدای متعال برای من و حجت پس از من است.»

گوشه‌ای از صفات امام کاظم علیه السلام

حضرت امام موسی کاظم (ع) عابدترین و زاهدترین، فقیه‌ترین، سخی‌ترین و کریم‌ترین مردم زمان خود بود، هر گاه دو سوم از شب می‌گذشت نمازهای نافله را به جا می‌آورد و تا سپیده صبح به نماز خواندن ادامه می‌داد و هنگامی که وقت نماز صبح فرا می‌رسید، بعد از نماز شروع به دعا می‌کرد و از ترس خدا آن چنان گریه می‌کرد که تمام محاسن شریفش به اشک آمیخته می‌شد و هر گاه قرآن می‌خواند مردم پیرامونش جمع می‌شدند و از صدای خوش او لذت می‌بردند.

آن حضرت، صابر، صالح، امین و کاظم لقب یافته بود و به عبد صالح شناخته می‌شد، و به خاطر تسلط بر نفس و فروبردن خشم، به کاظم مشهور گردید. همچنین آن حضرت در میان شیعیان به «باب الحوائج» معروف است.

شیخ مفید درباره آن حضرت می‌گوید: "او عابدترین، فقیه‌ترین، بخشنده‌ترین و بزرگ‌منش‌ترین مردم زمان خود بود، زیاد تضرع و ابتهال به درگاه خداوند متعال داشت. این جمله را زیاد تکرار می‌کرد: «اللهم انی أسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب» (خداوندا در آن زمان که مرگ به سراغم آید راحت و در آن هنگام که در برابر حساب اعمال حاضرم کنی عفو را به من ارزانی دار).".

امام موسی بن جعفر (ع) بسیار به سراغ فقرا می‌رفت. شب‌ها در ظرفی پول و آرد و خرما می‌ریخت و به وسایلی به فقرای مدینه می‌رساند، در حالی که آن‌ها نمی‌دانستند از ناحیه چه کسی است. هیچکس مثل او حافظ قرآن نبود، با آواز خوشی قرآن می‌خواند، قرآن خواندنش حزن و اندوه مطبوعی به دل می‌داد، شنوندگان از شنیدن قرآنش می‌گریستند، مردم مدینه به او لقب "زین‌المجتهدین" داده بودند. مردم مدینه روزی که از رفتن امام خود به عراق آگاه شدند، شور و ولوله و غوغایی عجیب کردند. آن روزها فقرای مدینه دانستند چه کسی شب‌ها و روزها برای دلجویی به خانه آن‌ها می‌آمده است.

دوران امامت

آن حضرت در سن 20 سالگی به امامت رسیدند از زمان شهادت پدرش، امام جعفر صادق (ع)، در شوال 148 هجری تا رجب سال 183 هجری، به مدت 35 سال. از مشکلات روزهای نخستین امامت موسی بن جعفر علیه السلام، ادعای امامت دروغین برادر بزرگ‌تر حضرت، عبدالله افطح، بود که گروهی را به دنبال خود کشید و فرقه "فطحیه" به همین ترتیب شکل گرفت. هر چند با برخورد روشنگرانه‌ی امام، عبدالله با شکست روبرو شد.

دوران سی و پنج ساله امامت موسی بن جعفر مصادف بود با اوج قدرت حکومت بنی عباس و هم‌زمان با چهار تن از حاکمان عیاش و خون‌آشام عباسی به نام‌های منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید که حضرت نیز به فراخور شرایط زمانی حساس هر یک، وظیفه سنگین امامت و هدایت امت را به بهترین شکل ممکن به دوش کشید، و اگر چه با حوادث سهمگین و خونینی همچون واقعه فح و شهادت مظلومانه گروهی از آل علی علیه السلام روبرو شد، ولی لحظه‌ای از وظیفه خطیر خود کوتاهی نکرد و تلاش مستمر خویش را عمدتاً در محورهای زیر متمرکز ساخت:

اول، تبلیغ دین خداوند و گسترش فرهنگ اسلام، تبیین و تشریح معارف و احکام الهی در قالب احادیث بلند و کوتاه و پاسخ به سوالات شفاهی و کتبی.

دوم، پرورش انسان‌های مستعد و تربیت شاگردان والامقام و شاخص در میدان علم و عمل و حفظ و حراست آنان.

سوم، مبارزه بی‌امان با حاکمان جور و ستم و غاصبان خلافت و شکستن صولت شیطانی آنان در میدان‌های مختلف و تشریح مبانی حق.

چهارم، تربیت یاران مدیر و مدبر و خودساخته و نفوذ دادن آنان در مراکز حساس حکومتی، تا مرز وزارت و استانداری، به منظور

خنثی‌سازی نقشه‌های مخرب و دین‌سوز دشمنان، کمک به مظلومان و محرومان و دفاع از حریم شیعیان. پنجم، سامان‌دهی شیعیان با شیوه‌های مختلف تربیتی، عملی، مناظره‌های سیاسی و . . . امام علیه‌السلام در این مسیر، نهایت تلاش خویش را می‌ذول داشت و در مواقع لازم از اهرم‌های فوق‌العاده‌ای همچون استفاده از معجزه، دعای مستجاب و به‌کارگیری علم امامت بهره برد. شهادت امام(ع)

رفتار حضرت در زندان در زمینه‌های مختلف عبادی، تربیتی، ارتباط با دیگران، و تأثیرگذاری بر دوست و دشمن چنان عمیق و موثر بود که هارون نهایتاً دستور داد سندی بن شاهک، امام علیه‌السلام را در بیست و پنجم رجب سال 183 هجری قمری در 55 سالگی با خرمای زهرآلوده به شهادت برساند.

سعی فراوان دستگاه حکومتی هارون برای مخفی نگه‌داشتن شهادت امام علیه‌السلام و تلاش گسترده آنان برای عادی جلوه‌دادن مرگ حضرت، نشانه‌ی پایگاه رفیع اجتماعی امام و وحشت عباسیان از اوست.

پیکر مطهرش پس از تحمل سال‌ها زندان به‌طور معجزه‌آسایی توسط فرزندش علی بن موسی الرضا علیه‌السلام غسل داده شد و در مقابر قریش در مدینه‌السلام در حاشیه بغداد مدفون شد. مزار شریفش مورد توجه عموم قرار گرفت و سال‌ها بعد نوه بزرگوارش حضرت امام جواد علیه‌السلام در کنارش دفن شد و شیعیان دلباخته‌ی آنها شهر کاظمین را در کنار تربت پاکشان تأسیس کردند.

از امام موسی بن جعفر دریای بیکرانی از معارف اسلام در توحید و نبوت و امامت و معاد، و احکام و آداب تربیتی اخلاقی در قالب هزاران حدیث کوتاه و بلند، و شاگردان عالم‌عامل، و سیره عملی ارزشمند در میدان‌های مختلف، و نسلی پاک و بابرکت به یادگار مانده است.

احادیثی گهربار از امام کاظم (ع)

بهترین عبادت بعد از شناختن خداوند، انتظار فرج و گشایش است.

از ما نیست کسی که هر روز حساب خود رانکند، پس اگر کار نیکی کرده است از خدا زیادی آن را بخواهد، و اگر بدی کرده، از خدا آمرزش طلب نموده و به سوی او توبه نماید.

بر شما باد به خموشی که کم‌گویی، حکمت بزرگی است.

به خدا قسم خیر دنیا و آخرت را به مؤمنی ندهند مگر به سبب حسن ظن و امیدواری او به خدا و خوش اخلاقی‌اش و خودداری از غیبت مؤمنان.

مشورت با عاقل خیرخواه، خجستگی، برکت، رشد و توفیقی از سوی خداست.

تدبیر نیمی از زندگی است.

به راستی که با ارزش‌ترین مردم کسی است که دنیا را برای خود مقامی نداند، بداند بهای تن شما مردم، جز بهشت نیست، آن را جز بدان مفروشید.

بهترین چیزی که به وسیله آن بنده به خداوند تقرب می‌جوید، بعد از شناختن او، نماز و نیکی به پدر و مادر و ترک حسد و خودبینی و به خود بالیدن است.

علوم را که مردم به آن نیاز دارند در چهار چیز یافتیم:

اول اینکه خدای خودت را بشناسی.

بشناسی که خداوند با تو چه کار کرده است.

بشناسی که خداوند چه چیزی از تو می‌خواهد.

و بشناسی که چه چیزی تو را از دینت خارج می‌کند.